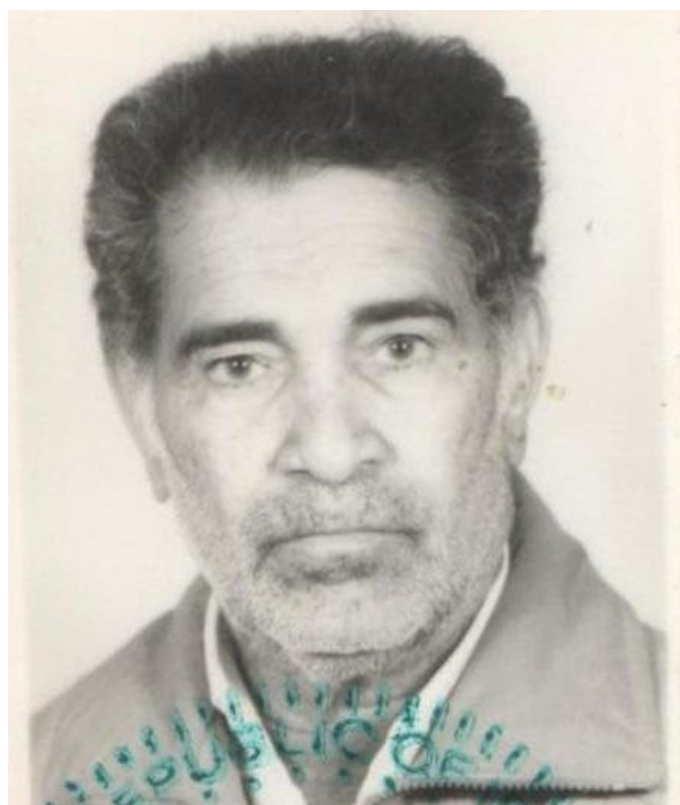


شهيد احمد بشي



از بشارت علی
سماحه جامع سرداران و هزار شهيد استان بوشهر

نام پدر	علمدار
تاریخ تولد	۱۳۲۷
محل تولد	بوشهر - جم
تاریخ شهادت	۱۳۸۲/۰۳/۲۷
محل شهادت	
مسئولیت	
نوع عضویت	
شغل	
تحصیلات	
مدفن	کنگان

زندگینامه

روز یکم فروردین سال ۱۳۲۷ شمسی در روستای چاهه جم در خانواده ای مذهبی و محروم دنیا آمد. از پنج سالگی به شغل دامداری مشغول شد، زیرا در آمد خانواده ایشان از همین راه بوده و در روستا نیز می زیسته اند.

در ۱۲ سالگی پدر خود را از دست داده و از سن ۱۴ سالگی برای امرار معاش خود و چهار برادر و خواهر و مادر خود راهی کشور قطر شدند.

در ۱۸ سالگی برای انجام خدمت سربازی به کردستان اعزام و مدت ۲ سال حتی یک روز نیز به مرخصی نرفت چرا که او به سختی خو گرفته بود.

در سن ۲۲ سالگی بعد از پایان خدمت و دو سال کار کشاورزی در ایران و کار ساختمانی در خارج کشور و جمع آوری مبلغ ناچیزی بدون هیچگونه پشتوانه و همکاری دیگری با دختری از خانوادای کاملاً مذهبی ازدواج کرد و بعد از یک سال صاحب اولین فرزند خود شدند.

در اولین انقلاب بدلیل فعالیتهای انقلابی و ضدیت با رژیم سابق به عنوان مرکز مبارزات بود و با چند نفر از دوستان از جمله مرحوم آزاده عبدالرسول عابدی و مرحوم عبدالعلی شاکر صفت به جمع آوری سلاح های ژاندارمری پرداختند و توانستند حکومت موقت محلی را بدست گیرند تا انجام کامل نیروهای بسیج .

در سال ۶۷ بعد از چندین با اعزام به جبهه های حق علیه باطل در جزیره مجنون مجروح شد و به اسارت نیروهای عراقی در آمد و مدت ۲ سال و نیم در اردوگاه رومادیه عراق بسر بردند.

در سال ۶۹ به همراه بقیه اسرا آزاد گردیده و به آغوش خانواده بازگشتند، پس از هفت سال برگشت از اسارت یعنی ۷۶ هنگامی که ایشان بدلیل داشتن شغل کارمندی تقریباً زندگی آرامی داشت همسر خود را که ۴۵ سال سن داشت بدلیل عدم تشخیص درست پزشکان و عدم درمان بموقع ، از دست دادند.

این مصیبت برای ایشان خیلی سخت بود ، ضربه شدید روحی و روانی و مشکل خفته جسمانی بدلیل مجروحیت ایام جنگ باعث شروع نوعی بیماری آزار دهنده در ایشان شد.

نوعی بیماری که در سال بعد شدت بیشتری یافت ولی بدلیل ضعف مالی موفق به درمان آن نگردید. در سال ۷۸ بعد از مراجعه به پزشک در بیمارستان مسلمین شیراز مورد درمان قرار گرفت ، و بعد از آن به تهران انتقال یافت و زیر نظر بیمارستان لبافی نژاد درمان را ادامه داد.

ایشان در سال ۷۶ کار دومین مسجد نیز در کوی شهید بهشتی کنگان به پایان رساند، ساخت مسجد اول ایشان به همراه چند نفر از دوستان دیگر در بندر طاهری در زمان جنگ بود. و حل دیگر او برای ساخت مدرسه ، فضای سبز و غیره کوشش فراوان می کرد، حتی با وضعیت این بیماری خطرناک شیمیایی بازهم از پا نشست م به دنبال زمین برای مدرسه مدام به بوشهر و شیراز می رفت.

شیمیایی او را همچون آتشی بر سر شمع آب می کرد ، زره زره و قطره قطره هنگامی که در خانه در بستر بیماری بود علی رغم بیماری سختش فقط نام ائمه و شکر خدا بر لب داشت و از اطرافیان بدلیل مراقبت و پرستاری از خویش دائماً تشکر می کرد.

سرانجام پس از شش سال دوران سخت بیماری و آلودگی شیمیایی در ۲۷/۳/۸۲ شربت شیرین شهادت را نوشید.

روحش شاد و راحش پر رهرو باد.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران